

## زندگی جمال زاده

سید محمد علی جمال زاده در سال 1309 هـ. ق. برابر با سال 1270 هـ. ش. در شهر اصفهان به دنیا آمد. پدر او سید جمال الدین واعظ همدانی معروف به (اصفهانی) از خاندان بزرگ صدر در لبنان و مادر او مریم فرزند میرزا حسن باقرخان از اعیان شهر اصفهان بود. پدر جمال زاده روحانی ای مبارز و از خطیبان و بزرگان مشروطه خواه و موسسان آزادی سیاسی در عهد مشروطه به شمار می رفت و چون همیشه در حال سخنرانی علیه شاه بود، از طرف ظل السلطان (پسر ناصرالدین شاه) حاکم وقت اصفهان، مورد آزار و اذیت قرار می گرفت و او مجبور بود در شهرهای دیگری غیر از اصفهان، به سخنرانی و بیداری مردم پردازد و همین آوارگی ها زندگی را برای خانواده ی او دشوار کرده بود.

خانه ی جمال زاده در آن وقت ها در اصفهان در محله ی بیدآباد و نزدیک به چهار سوی علیقلی آقا بود. جمال زاده در چهار سالگی نزد زن دایی اش (آمنه بیگم) که زن باسواید بود، البا را یاد می گرفت و پس از آن به چند مکتب از جمله مکتب پسر (ملا علی اصغر) که به گفته ی خودش از حیث صورت و سیرت به (ازرق شامی) می مانست، می رود و چون از همام جلسه اول فلکه می شود خیلی زود آن جا را ترک می کند.

او دوباره به چند مکتب دیگر جهت تحصیل مراجعت می کند، اما هیچکدام با طبع لطیف و مذاق وی خوش نمی آید. تا این که مادرش او را در (راستا بازار) بیدآباد نزد میرزا حسن صحاف می گذارد تا هم شاگردی کند و هم از او درس بیاموزد. جمال زاده بعدها در خاطرات خود می گوید: «تازه آن جا معنی خواندن و نوشتن را فهمیدم و کم و بیش دستگیرم شد که منظور از یاد گرفتن این علامت های مخ معوج که به نام حروف و حرکات چون کرم های زیان کاری از اولین دوره ی کودکی به مغز و ریشه ی عمر اطفال معصوم می افتد و تا دم مرگ شیره ی جان شان را می مکند، چیست.»

دهنه ی همان بازار بیدآباد در کنتار نهر معروف به (ماری بابا حسن) واقع بود، رفتیم. عمامه به سرم گذاشتند و با همه ی صغر سن به صورت طلاب علوم دینی درآمدیم. در آن زمان بیش تر

از ده سال نداشتیم و با وجود این اسمم را (رُجیل) که مُصَغَّر رَجُل (مرد کوچک) است، گذاشته بودند.»

داستان نویسی تا قبل از جمال زاده انسجام خاصی نداشت و نویسندگان از سبک خاصی پیروی نمی کردند، به همین دلیل گاهی اوقات میان سبک های نگارشی آن ها تداخل به وجود می آمد و باید کسی پیدا می شد تا به این نا به سامانی سامان بخشیده و برایش به طور غیرمستقیم قوانینی ایجاد نموده و سکوت چندهزارساله را می شکست. البته این کار قدری جسارت می خواست، چرا که هرگونه تغییری ممکن بود خشم سنت گرایان ناآگاه و یا مغرضان آگاه را برانگیزاند.

بالاخره جمال زاده که در غرب تحصیل کرده بود و با ادبیات آن جا به خوبی آشنایی داشت، پا به میدان گذاشت. او با انتشار مجموعه داستان «یکی بود، یکی نبود» گام به عرصه ی جدیدی گذاشت.

آری، انتشار این کنتب در سال 1300 هـ. ش در برلین ع 8لی رغم شور و شرش، توانست نام محمدعلی جمال زاده را به عنوان پیشوای نوول یا پدر داستان نویسی برای همیشه در تاریخ ثبت نماید.

تا قبل از آن «داستان کوتاه یا به اصطلاح فرانسه (nouvelle) بسیار دیرتر از رمان در ایران به وجود آمد، زیرا ترجمه ی نمونه های اروپایی این گونه آثار نیز دیرتر از رمان در ایران منتشر شده بود. شاید نخستین بار در «مجله ی بهار» بود که بعضی از نوول های اروپایی ترجمه و نشر یافت. بعد در «مجله ی دانشکده» آثار نوول نویسان فرانسوی مانند: الفونس دوده، موپاسان، توسط سعید نفیسی و رضا هنری و دیگران ترجمه شد و سپس ترجمه ی انواع آن انتشار یافت.»

«چایگین»، خاورشناس روس، در مورد جمال زاده و اثر معروف او «یکی بود، یکی نبود» چنین آورده است: «تنها با یکی بود، یکی نبود است که مکتب و سبک رئالیستی در ایران آغاز یافت و همین سبک و مکتب است که در واقع شالوده ی جدید ادبیات داستانی در ایران گردید و فقط

از آن روز به بعد می توان از پیدایش نوول و قصه و رمان در ادبیات هزارساله ی ایران سخن راند...»

جمال زاده، به خصوص به عنوان نویسنده دی «یکی بود، یکی نبود» نه تنها از لحاظ تقدم تاریخی، بلکه از حیث وضوح و وزن و معنی مقام اول را دارد... باید گفت که جمال زاده نویسنده ای است که با بهترین نوول نویس های اروپا در یک ردیف است.»

یکی از عواملی که سبب شد تا سبک نگارشی جمال زاده در ایران به عنوان طلّیعه ای در ادب فارسی مطرح شود، توجه به ساده نویسی به شیوه ی غرب بود. این در حالی بود که در کشور ما تا آن زمان غامض نویسی حسن محسوب می شد و آن را نشانه ی فضل و فضل فروش می دانستند.

«مجموعه داستان یکی بود، یکی نبود را که عنوان خود را از فاتحه ی کلام قصه سرایان ایرانی گرفته و اولین کتابی بود که بر خلاف عادت به زبان محاوره یا معمولی نوشته شده بود، ولوله و غوغایی در ایران برپا کرد. گروهی نویسنده را به بی ذوقی و بی سلیقگی متهم کردند که فن نویسندگی را تا حد قبول و پسند عامه تنزل داده و نیز به جامعه و آداب ایرانی اهانت کرده است.»

«اهمیت جمال زاده در تاریخ ادبیات ایران بیش تر از نظر پیشروی و رهبری ادبی در داستان نویسی جدید است و این خود کار بزرگی است. مقدمه ی معروفی او بر کتاب «یکی بود، یکی نبود» به منزله «مانیفست»، یعنی بیانیه ای ادبی است که به مکتب جدید نویندگی در ایران رسمیت بخشیده است.»

البته باید به این نکته توجه داشت که «تحول نثر فارسی» در ایران باری نبود که حمل آن فقط و فقط بر دوش جمال زاده سنگینی کرده باشد، بلکه دیگران در حمل این بار سهمی به سزا داشته اند. دکتر خانلری در این خصوص چنین اهار می دارد: «در این شیوه جمال زاده، مبتکر نیست. اگر از ترجمه ی تمثیلات آخوند زاده و ترجمه ی «حاجی بابا» چشم بپوشیم افتخار این سبک با داستان نویسی دهخدا است که در روزنامه ی صور اسرافیل مقالات نیش دار دارد. هجو و انقاد اجتماعی به امضای «دخو» نوشت و اولین بار الفاظ و تعبیرات عامیانه را در آثار

ادبی اجازه ی ورود داد. اما جمال زاده اصول و قواعد این شیوه را نوشت و آن را به عنوان یکی از ملکیت های ادب فارسی اعلام کرده است.»

نکته یا که تمام صاحب نظران در مورد جمال زاده به آن اذعان دارند، آشنا بودن او به اصول داستان نویسی به شیوه ی غربی و اعلام رسمیت بخشیدن آن از طرف او می باشد: «جمال زاده نه تنها داستان کوتاه اروپایی را به ایران آورده بلکه نخستین مولف یک کتاب علمی جدید «گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران» به روش غربی به زبان فارسی ... نیز هست.»

البته در موفقیت جمال زاده نباید این مطلب را از نظر دور داشت که «تقی زاده، جمال زاده را به کار روزنامه نگاری و مقاله نویسی کشاند و بیش از هر کسی قزوینی او را به حرفه ی نویسندگی و داستان نویسی تشویق کرد.»

#### ویژگی های سبکی جمال زاده

داستان های جمال زاده عموماً رنگ و بوی خاطره و خاطره نویسی را دارد. خاطراتی که از دوران کودکی در ذهن نویسنده مانده و از نزدیک با آن ها دم خور بوده است. لذا «نظرگاه یا زاویه ی دید جمال زاده در داستان هیا کوتاه و زمان هایش غالباً اول شخص مفرد است. «من» یکی آدم اصلی که معمولاً نماینده ی نویسنده است، داستان ها را روایت می کند. کسی که در مرکز رویدادها و ماجراها قرار دارد یا به ترتیبی در معرض حوادث قرار می گیرد. گزینش نظرگاه اول شخص مفرد، نشانه ی علاقه ی نویسنده به گونه ای خاطره نویسی و حدیث نوفس است و چنان مهیئ خود جمال زاده بارها گفته است، او بسپایر از داستان هایش را بر اساس خاطرات خود و اغلب خاطرات دوره ی جوانی اش نوشته است.»

یکی از ویژگیهای بارز نثر جمال زاده، مردمی و عامه پسند بودن آن است. جمال زاده نثر را از انحصار افراد تحصیل کرده و خودمدار بیرون کشد و آن را در اختیار همگان قرار داد.

«حد اعلاید برخوردار هنرمندانه ی تو دست یافتن به مفهوم کلی «دموکراسی ادبی» است، یعنی گنجاندن انبوهی اصطلاحات و تعابیر عامیانه و ضرب المثل در یک داستان با این هدف که زبان اصلاح و تکمیل شود و ادبیات در دسترس همگان قرار گیرد.»

تأکید جمال زاده بر نزدیک کردن زبان و نوشتار به زبان گفتار و استفاده از لغات و ترکیبات جایز در میان مردم به عنوان مصالح و ابزار ادبی، به نثر یا سبک نگارش او جلوه ای ساختگی اغراق آمیز داده است.»

«تقریباً در همه ی داستان های جمال زاده نقش مطلق خیر و شر و عواملی نظیر سرنوشت و بخت و اقبال، برجسته و تعیین کننده است. این نقش برجسته و تعیین کننده را می توان در آغاز و میان و پایان خوش داستان ها دید.»

«برای جمال زاده آن چه اهمیت دارد، سبک انشا یا به تعبیر خود او «انشای حکایتی» است و در همه ی داستان های او، حتی آثاری که ترجمه کرده است، این سبک انشا کمابیش ثابت و یک پارچه است. اصولاً سبک در نظر جمال زاده، در نوشتن متناسب با اقتضای موضوع پدیدار نمی شود، از پیش می آید نه از پی.»

آدم های داستان های جمال زاده با وجود تفاوت های شان از لحاظ شغل و مقام و جنس و سن، کمابیش به یک زبان، به همان زبان عوامانه ی «کوچه بازاری» سخن می گویند.»

«استاد جمال زاده گویا با فعل «کردن» میانه یا ندارد و همه جا به جای آن «نمودن» به کار می برند و از کلمه ی «خیلی» خیلی بهره جسته اند به جای بسیار، بسیاری و بسا»

«جمال زاده تأکید بسیار داشت که زبان نوشتار را به زبان گفتار نزدیک کند. نثر جمال زاده ساده و عامیانه است و با واژگانی متنوع و گسترده، بدون این که بیانگر لحن، لفظ، لهجه های گوناگون، افراد جامعه یا قشر خاصی باشد. زبان او گزارشی و شوخی آمیز است و وابسته به سنت حکایت پردازی و اندرزگویی کلاسیک ایرانی است.»

«طنز جمال زاده برخلاف طنز هدایت پیچیده و تاریک و ژرف نیست، صریح و روشن و دلنشین است. آثار این طنز را به صورت گزنده و نیش دارش می توان به سادگی در بیش تر داستان های «یکی بود، یکی نبود» یافت.»

«نثر جمال زاده نثر میانه است. میانه از این که نه مثل زبان ادیبانه و رسمی درباری قاجار است و نه مانند زبان گفتاری هدایت و آل احمد و دیگران. بلکه آمیزه ای از هر دو.»

«با همه ی زیبایی ها و شیرینی هایی که در نثر جمال زاده وجود دارد، از دیدگاه روح الله مهدی پور چند عیب همواره زبان و نثر جمال زاده را آسوده نگذاشته که اهم آن از این قرار است.»

1- دل نكندن از نثر مقاله ای، 2. بسامد واژه های هم معنی و زیاده روی در به کار بردن مترادف، 3. استفاده از آرایه های ادبی و صنایع لفظی، 4. استفاده از لغات عربی و اروپایی، 5. به کارگیری صفت های پیاپی و هم سنگ برای یک نفر، 6. بزرگ نمایی در ماندگی کسی که به چیزی یا کسی، 7. میل به سبک و سیاق گذشتگان و نوشته های باستانی. زکریا مهرور در این خصوص تحقیق جامع و ارزنده یا دارد که با اندکی الخیص در این جا آورده می شود.

#### سبک جمال زاده

#### الف- توصیف های پراطناب و نیش آلود

«ویلان الدوله از آن گیاه های است که فقط در خاک ایران سبز می شود و میوه ای بار می آورد که نخود هر آش می نامند.» «دارالمجانین»

#### ب- عنصر طنز و شوخ مآبی

«شاهزاده تویسرکانی که از بس پر فیس و افاده بود، تف می انداخت و سبحان الله تحویل می داد، اسمش را «شاهزاده اخ تف سبحان الله» گذاشته بود.» (از مجموعه یکی بود، یکی نبود)

#### پ- ویژگی های سبک واژگانی و بافت صرفی و نحوی

#### 1- نکات صرفی:

- به کار بردن واژه های کوتاه شده ی گفتاری با بسامد کم، مثلا «ماسها» به جای ماست ها، «بلات» به جای بلایت، «بش» به جای بهش.

- به کار گرفتن فعل ها و کلمات ساده به جای فعل های مرکب و پیشوندی:

«به فراش های چنانی» به جای «آن چنانی» (فارسی شکر است).

- به کار بردن فعل ها به جای یک دیگر در زمان مختلف:

«از یک طرف بوی کباب تازه به دماغشان رسیده است (به جای رسیده بود) و ابدای بی میل نیستند (به جای نبودند). (کباب غاز).

-به کارگیری صفات شمارشی ناآشنا و غیرمتعارف:

«ده رأس حمال»، «هشت رأس انگشت»، «مبلغی سرخ و سفید شد»، «یک شکم کتک».

-آوردن ترکیبات اتباعی که یکی از آن دو مهمل است:

«هارت و هورت»، «باد و بروت»، «سیت و سوت»، «هاج و واج». (فارسی شکر است).

-داشتن واژه های نامانوس عربی که در روزگار نویسنده رواج داشته است:

واحد یموت، ما به النزاع، عنق منکسر و منحوس، طرفه العین، کما هو حقه، تحت الحنک، سلس القول (فارسی شکر است).

-به کار گرفتن تعابیر و اصطلاحات و لغات عامیانه:

«عادت هم حقیقتا مثل گدای سامری و گربه ی خانگی و یهودی طلب کار و کوت کش (یا به

قول تهرانی کناس) اصفهاین است که هزار بار از این در بیرونش کنی، از در دیگر می آید.»

(یکی بود، یکی نبود)

2- نکات نحوی:

-به کار گرفتن «را» نشانه ی مفعولی بعد از مضاف الیه جزء نخستین فعل مرکب یا انداختن آن:

«چیزی جلب نظرم را کرد»، «قلبم با کمال شدت بنای زدن را گذاشت.» (یکی بود، یکی نبود).

-به کارگیری جمله های پیچیده و مرکب:

«قلتشن دیوان اسم بامسمایی بود و صاحبش چنان که لابد خودتان حدس می زنید، مرد سیاه

توه ی چاق و بلند و سیبیلوی آبله رویی بود با یک دنیا هارت و پورت و یک خروار اخم و تخم

و یک عالم فیس و افاده.» (قلتشن دیوان).

ت-زیبایی شناسی نثر جمال زاده

«ولی ما فریب این قارت و قورت ها نمی خوریم و تیو دلمان می دانستیم جعفرخان چند مرده  
حلاج است ولو لنگش چه قدر آب می گیرد...» (یکی بود، یکی نبود).

1- تشبیه به ویژه تشبیهات مرکب در نثر جمال زاده بسیار است:

«کرجی بان های انزلی مثل مورچه هایی که دور ملخ مرده ای را بگیرند.»

2- فراوانی ترکیب های تشبیهی و استعاری:

«بیرق جوع»، «تف سلیم»، «خمره ی شکم»، «نوک جمع»، «کنسرت آروغ»، «دیگ آشنایی»  
و ... (یکی بود، یکی نبود).

3- تنسیق الصفات (توالی صفات معطوف و بدیع):

«جوانی لات و لوت آسمان جل و بی دست و پا پخمه گاگول و تا بخواهید بدریخت و بدقواره»

4- جناس:

«انکر و منکر»، «قیانم قیامت»، «تام و تمام»، «زار و نزار»، «خالص خلص». (یکی بود، یکی  
نبود)

5- سجع:

«گویی حنجره اش دو تنبوشه داشت: یکی برای بلعیدن لقمه و دیگری بریا بیرون دادن حرف  
های قلبه» (کباب غاز).

6- به کارگیری مراعات نظیر:

از این رهگذر است که جمال زاده به اطناب گراییده است:

«اشاره های کج و کوله و چشم بستن ها و چشم گشودن های گوناگون و به جلو آوردن و به  
عقب بردن لب و لوچه و حرکات مختلفه الشكل و سر و گردن و شانه و دست ها و انگشت ها  
که به راستی محتاج یک تفسیر کشف و فرهنگ جامعی است مطالب و معانی و مضامین بسیار  
دیگری را می رسانید.» (امنیت شکم).

7- تلمیحات:

«کله ی اشپختر، شارژدافروس، سایه روشن، صادق هدایت، کشف امریکا، شیکاگو، پاریس،  
منچستر.» (کباب غاز).



## آثار

- نوشته های جمال زاده را در هفت گروه می توان تقسیم کرد:
- الف. نگارش های پژوهشی
- 1-1335 هـ. ق. گنج شایگان یا تاریخ اقتصاد ایران، نخستین تألیف تحقیق او (چاپ در برلن).
  - 2-1340 هـ. ق. تاریخ روابط روی با ایران (چاپ برلن و بعد چاپ تهران 1372).
  - 3-1317 پندنامه ی سعدی یا گلستان نیک بختی (چاپ تهران).
  - 4-1321 قصه ی قصه ها (از روی قصص العلمای تنکابنی).
  - 5-1337 بانگ نای (داستان مثنوی مولانا).
  - 6-1341 فرهنگ لغات عوامانه (حدود 7 هزار واژه، اصطلاح و ترکیب) که شالوده ی آن از روزگار نگارش داستان های «یکی بود، یکی نبود» و جمع آویر مقداری از کلمات عوامانه ی فارسی در پایان آن کتاب گذاشته است.
  - 7-1345 طریقه ی نویسندگی و داستان سرایی (چاپ شیراز).
  - 8-1348 سرگذشت حاجی بابای اصفهانی.
  - 9-1366 اندک آشنایی با حافظ.

## ب. نگارش های داستانی

- 10-1340 ق. (1300 ش.) یکی بود، یکی نبود (حاوی شش داستان و نخستین کتابی است که جمال زاده به چاپ رسانده است).
- 11-1321 ش. دارالمجانین.
- 12-1321 ش. عمو حسینعلی (بعدها نام جلد اول شاهکار تجدید چاپ شده است).
13. 1323 ش. صحرای محشر.
- 14-1325 ش. قُلَّتْشَن دیوان.
- 15-1326 ش. راه آب نامه.

- 1333-16 ش. معصومه ی شیرازی.
- 1344-17 ش. سر و ته یک کرباس یا اصفهانی نامه (در دو جلد به انگلیسی ترجمه شده است).
- 1334-18 ش. تلخ و شیرین (مجموعه).
- 1337-19 ش شاهکار (دو جلد).
- 1338-20 ش. مهنه و نو (مجموعه).
- 1340-21 ش. غیر از خدا هیچ کس نبود. (مجموعه).
- 1343-22 ش. آسمان ریسمان (مجموعه).
- 1353-23 ش. قصه های کوتاه برای بچه های ریش دار (مجموعه).
- 1357-24 ش. قصه ی ما به سر رسید (مجموعه).
- پ. نگارش های اجتماعی، سیاسی
- 1338-25 ش. آزادی و حیثیت انسانی.
- 1340-26 ش. خاک آدم.
- 1341-27 ش. زمین، ارباب، دهقان.
- 1345-28 ش. خلیات ما ایرانیان.
- 1357-29 ش. تصویر زن در فرهنگ ایران.

ت. نگاری های ترجمه ای

«ترجمه های جمال زاده دو نوع است: قسمتی آن هاست که پیروی از متن را الزامی دانسته است، مانند آثار شیلر و مولیر، قسمتی دیگر آن هاست که خود را ملزم به تبعیت از اصل نمی دانسته و برای مناسب ساختن متن با ذوق خواننده ایرانی در آن ها دست برده و به آرایش زبانی و تعبیراتی آن ها پرداخته است.»

«جمال زاده در ترجمه مانند اغلب مترجمان متقدم ما، سلیقه و نظر مخصوص دارد که به «آداپتاسیون» و «ترجمه ی آزاد» معروف است که خود او آن را «روسازی» می نامد... مثلاً تهران را به جای پاریس و امروز را به جای چهل سال پیش بگذارد.»

- 1340-30 ش. قهوه خانه ی سورات یا جنگ هفتاد و دو ملت (از رناردن دوشن پیر).
- 31- ویلهلم تل (از شیللر).
- 1335-32 ش. داستان بشر (از هندریک وان لون).
- 1355-33 ش. دون کارلوس (از مولیر).
- 1336-34 ش. خسیس (از مولیر).
- 1336-35 ش. داستان های برگزیده (از چند نویسنده ی خارجی).
- 1340-36 ش. دسمن ملت (از ایبسن).
- 1340-37 ش. داستان های هفت کشور (مجموعه ای از داستان های ترجمه شده).
- 1349-38 ش. بلای ترکمن در ایران قاجاریه (از بلوک ویل که در مجله ی نگین چاپ شده).
- 1352-39 ش. قنبرعلی، جوانمرد شیراز (از آرتو کنت دوگوبینو).
- 1357-40 ش. سیر و سیاحت در ترکستان ی ایران (از هانری موزر که در مجله ی نگین چاپ شده).
- 1357-41 ش. جنگ ترکمن (از آرتو کنت دوگوبینو، ابتدا در سال 1349-50 در مجله ی نگین چاپ شده است).
- نوشته های خاطراتی
- این نوشته ها به طور پراکنده در مجله ها (عمدتاً راهنمای کتاب، یغما، وحید و آینده چاپ شده است).
- ج. نوشته های تفننی
- 42- هزار پیشه (جلد اول).
- 1339-43 ش. کشکول جمالی (دو جلد).
- 1342-44 ش. صندوقچه های اسرار (دو جلد).
- جمال زاده یکی دو کتاب کوچک هم برای نوجوانان نوشت مانند: اصفهان.
- چ. انتقاد و معرفی کتاب

جمال زاده تقریباً هر کتابی را که دریافت می کرد، می خواند و در حاشیه ی آن یادداشت های ذوقی یا انتقادی می نوشت. عادتش بر این بود که پس از خواندن کتاب تازه رسیده، شمه ای از نظرات خود را برای مولف آن کتاب می فرستاد و اگر کتاب ارزش مند بود آن مطالب را در مقاله ای می آورد و در مجله ها چاپ می کرد. شاید نزدیک به هشتاد مقاله از این گونه داشته باشد.

#### مقالات

«جمال زاده، نخستین مقاله ی خود را در نشریه کاوه در پانزدهم ژوئیه ی 1916 در برلن زیر عنوان «وقتی که یک ملت اسیر می شود» با نام مستعار شاهرخ منتشر کرد.»

تعداد مقاله های سید علی جمال زاده، از سی صد عنوان تجاوز می کند و می توان آن ها را به 13 طبقه تقسیم کرد:

1-مباحث ادبی، فرهنگی؛

2-تاریخ خاطرات؛

3-انتقاد و بررسی کتاب؛

4-معرفی خاورشناسان؛

5-هنر، صنعت، موسیقی؛

6-زبان فارسی؛

7-مباحث اجتماعی و عامه ای؛

8-جغرافیایی، تاریخی؛

9-علوم؛

10-تصوف و عرفان؛

11-ادیان و مذاهب؛

12-فلسفه؛

13-گوناگون

- سال شمار زندگی جمال زاده  
1270 ش./ 1309 ق. (13 ژانویه 1892 م.) تولد در اصفهان  
1281 ش./ 1321 ق. هجرت به تهران.  
1286 ش./ 1326 ق. (1908 م.) سفر به لبنان (بیروت) برای ادامه تحصیل.  
1286 ش./ جمادی الثانی 1326 ق. (1908 م.) به شهادت رسیدن پدر جمال زاده در زندان  
بروجرد به دست عمال محمد علی شاه و دستور شخص او.  
1910 م. پایان تحصیلات متوسطه و ترک بیروت و عزیمت به مصر و فرانسه و سپس لوزان  
سوئیس جهت تحصیل.  
1910-1911 م. تحصیل در لوزان سوئیس (رشته ی حقوق).  
1912-1914 م. تحصیل در دیورژن فرانسه.  
1292 ش./ 1331 ق. (1914 م.) فارغ التحصیل در رشته ی حقوق و ازدواج با همسر اولش،  
ژوزفین (فرانسوی).  
1915-1922 م. ورود به آلمان و همکاری با کمیته ی ملیون ایرانی و مجله ی کاوه.  
1923-1931 م. سرپرستی محصلین ایرانی در برلن.  
1333 ق. (جمادی الاول) چاپ اولین مقاله ی او در روزنامه ی خاور، استانبول در شماره ی  
16.  
1334 ق. (26 رمضان) / 1996 م. چاپ مقاله ی او در اولین شماره ی روزنامه ی مستقل  
«کمیته ی ملیون ایرانی» در بغداد به نام «رستخیز».  
1310 ش. 1324 ق. (1931-1962 م.) عضویت در دفتر بین المللی کار ژنو.  
1355 ش./ 1349 ق. (1931 م.) ازدواج مجدد پس از مرگ همسر اول با «اگرت».  
1956 م. بازنشستگی.  
17 ابان 1376 ش. / 8 نوامبر 1997 م. درگذشت در شهر ژنو در کنار دریاچه ی لمان (در  
خانه ی سالمندان).

منابع:

جمال زاده، حیدر کریم پور

یوسفی، غلامحسین - بانگ خروس سعدی

بهارلو، محمد - گزیده آثار محمدعلی جمال زاده

دهباشی، علی - قصه نویسی

پارسی نژاد، کامران - نقد و تحلیل و گزیده داستان های سید محمدعلی جمال زاده

خاطرات سید محمدعلی جمال زاده - سید محمد علی جمال زاده - به کوشش ایرج افشار -

علی دهباشی